

آندره لوروا - گوران

۱۹۸۶-۱۹۱۱

جلال‌الدین رفیع فر*



آندره لوروا - گوران

در بین نام‌آوران مردم‌شناسی قرن بیستم فرانسه، نام دو تن بیشتر از سایرین بر سر زبان‌هاست. کلود لوی-استروس و آندره لورا-گوران. اولی در حوزه انسان‌شناسی اجتماعی زبانزد خاص و عام است و دومی در حوزه انسان‌شناسی باستان‌شناختی یاب‌قول خود او Palethnologie.

اولی را در ایران بیشتر می‌شناسند و شاید هم کسانی که با این رشته علمی سروکار دارند و در این حوزه قلم می‌زنند در هر فرصتی که بشود سعی دارند به یکی از آثار او اشاره‌ای کنند تا شاید از این طریق اعتبار علمی کار خود را افزایش دهند.

اما دومی را کمتر می‌شناسیم، بسیار کمتر!

* دانشیار گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران.

این در حالی است که لوی - استروس می‌گفت: «من و او با هم سعی کردیم کار تقریباً مشابهی انجام دهیم»^۱.

این روزها در آستانه بیستمین سال مرگ این استاد بزرگ انسان‌شناسی هستیم. باید اقرار کنم که مدت‌ها بود به دنبال فرصت و بهانه‌ای بودم که این دانشمند را به جامعه علمی ایران، مخصوصاً دست‌اندرکاران انسان‌شناسی باستان‌شناختی، آن‌طور که شایسته اوست معرفی کنم. حدود ۱۵ سال پیش و به مناسبت پنجمین سالگرد فوت لوروا-گوران مجموعه کوچکی از چند مقاله که بعضی از آنها ترجمه آثاری از او بود در مجله نامه علوم اجتماعی به چاپ رسید.^۲ از آن پس تنها چند مقاله دیگر از این محقق دانشمند به فارسی ترجمه شده است که به‌طور پراکنده در مجلات و یا به صورت پیوست در کتب مختلف به چاپ رسیده‌اند (به بخش منابع در همین مقاله مراجعه شود). لوروا-گوران در تربیت استادان بزرگ و برجسته نقش مؤثری داشته است. افرادی چون روبر کرسول، کولت پتونه، ژان پیر دیگار، هلن بالفه، لوسین روبن، هانری رولن... و اکثر پایه‌گذاران گروه مردم‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران^۳ از شاگردان مستقیم او بوده‌اند. علاقه او به مردم‌شناسی ایران از جمله دلایل گرایش دانشجویان ایرانی برای گذراندن پایان‌نامه با این استاد بزرگ بوده است. او با این‌که هیچ‌وقت به ایران نیامد ولی هر وقت راجع به ایران سخنی به میان می‌آمد چنان از جزئیات مسائل فرهنگی و مردم‌شناختی و باستان‌شناختی ایران صحبت می‌کرد که گویی سال‌های زیادی از عمر او در ایران طی شده و مطالعات وسیعی در زمینه انجام داده است! از ویژگی‌های منحصر به فرد او دید وسیع و بینش ژرف و در مواردی قدرت تحلیل تحسین‌برانگیز او از داده‌های فرهنگی بود. به‌طوری‌که لوی - استروس پس از مطالعه رساله دکتری او که درباره باستان‌شناسی شمال اقیانوس آرام نگاشته بود می‌گوید: «یک بار دیگر تبحر اعجاب‌آور او در توصیف تاریخ و کندوکاو در آن، وسعت دید، قاطعیت و در مواردی زیبایی استثنایی نوشته‌هایش درباره موضوعاتی جدی و بی‌روح مرا به حیرت واداشت» (لوی - استروس ۱۳۷۰ ص ۲۳۰). لوی - استروس که خود استاد بلافصل اسطوره‌شناسی است در جای دیگری درباره لوروا-گوران چنین گفته است: «لوروا-گوران هنگام تحقیق و مطالعه درباره نقوش صخره‌ای، به آن‌جا کشیده شد که یک اسطوره‌شناسی بسازد. در واقع او با مطالعه 'ماقبل تاریخ هنر غرب' توانست خطوط اصلی تشکیل‌دهنده زیربنای اندیشه

۱. نامه علوم اجتماعی، جلد ۲، ش ۲ (۵) تابستان ۱۳۷۰.

۲. نامه علوم اجتماعی، جلد ۲، ش ۲ (۵) ۱۳۷۰. (متشکل از ۸ مقاله (حدود ۷۰ صفحه) که از نویسندگانی چون کلود لوی - استروس، ایوکوپنس، آندره لوروا-گوران، روبر کرسول، کولت پتونه.

۳. دکتر روح‌الامینی، دکتر حشمت‌الله طیبی، دکتر ثریا شیبانی، دکتر پرویز ورجاوند و نگارنده.

اسطوره‌ای را ترسیم کند. او با هوشیاری تمام از به کار بردن کلمهٔ دین خودداری کرد و به جای آن اغلب از اصطلاح 'تفکر اساطیری نیاکان پیش از تاریخ ما' استفاده کرد. من هم به سهم خود عمل متقابل آن را انجام دادم. ابتدا برای فهمیدن اسطوره‌ها مجبور شدم به آموختن ستاره‌شناسی، گیاه‌شناسی و جانورشناسی بپردازم. از این طریق بود که با واقعیت اندیشه‌ها که باز تعبیری از اوست آشنا شدم و این کار را به وسیلهٔ رشتهٔ پیوسته‌ای از میانجی‌ها به انجام رساندم» (همان، ۲۳۲).

آندره لوروا-گوران در ۲۵ اوت سال ۱۹۱۱ در پاریس متولد شد. او و برادر کوچک‌اش دوران کودکی را در منزل پدر بزرگ و مادر بزرگ (مادری‌اش) سپری کرده و پرورش یافته‌اند، و به همین دلیل او پس از مدتی نام خانوادگی مادرش (گوران Gourhan) را به نام خود اضافه کرد و Leroi-Gouran نامیده شد.

پدر بزرگ مادری‌اش به کار ساختن قایق‌های چوبی در سنت نازه "Saint-Nazaie" و پدرش به عنوان طراح در یک مؤسسهٔ پاریسی به کار ساختن برجک برای نیروی دریایی مشغول بودند. در سال ۱۹۴۸ در مقاله‌ای که به معرفی پژوهش‌های تکنولوژیکی اختصاص یافته بود، می‌نویسد: «از سن ۱۲ سالگی تعطیلات تابستانی‌ام را در جنگل‌های جزیرهٔ کورس به همراه طبیعت‌گرایان می‌گذراندم و از این طریق با طبیعت آشنا شدم و به شدت تحت تأثیر دو متخصص دورهٔ پیش از تاریخ که در جنگل‌های فونتن بلو (Fontaine bleau) و منطقهٔ نمور (Nemours) کار می‌کردند قرار گرفتم.»

دیرینه‌شناسی از رشته‌های مورد علاقهٔ او بود، ولی این کودک کنجکاو از شاگردان بد مدرسه بود. او فقط در درس زبان فرانسه و علوم طبیعی موفق بود، و در مجموع وضعیت درسی‌اش راضی‌کننده نبود. از سن ۱۴ سالگی به دلیل مشکلات مالی و به اصرار پدر بزرگ‌اش به کار مشغول شد، ابتدا در یک کارخانهٔ کشبافی و سپس در یک چاپخانه و آن‌گاه در یک کتاب‌فروشی اولین تجارب زندگی کاری را به دست آورد. در کتاب‌فروشی بود که با انسان‌های فسیل و مطالعهٔ کتاب مارسلین بول (Marcellin Boull) که تازه منتشر شده بود آشنا شد.

در سال ۱۹۲۷ موفق شد دوره‌هایی را در مدرسه انسان‌شناسی و دروسی را با استادانی چون آنتونی (Antoni) و پاپیلو (Papillaut) بگذراند. از طریق مسئول کتابخانه‌ای که در آن کار می‌کرد با پل بویبر (Paul Bayer) رئیس وقت مدرسهٔ زبان‌های زندهٔ شرقی آشنا شد و به کمک او ابتدا به عنوان دستیار و سپس کمک کتابدار در این مدرسه مشغول به کار شد. در این جا بود که توانست به‌طور جدی به یادگیری زبان بپردازد. ابتدا به فراگیری زبان روسی پرداخت و در سن ۲۰ سالگی (۱۹۳۱) موفق به دریافت دیپلم زبان روسی شد. سپس به پیشنهاد پل بویبر به آموختن

زبان چینی پرداخت و در سال ۱۹۳۳ موفق شد دیپلم زبان چینی و لیسانس ادبیات را دریافت کند. در این هنگام تصمیم گرفت که ابتدا رساله‌ای راجع به اسطوره‌شناسی اقوام سیبری بنویسد و سپس به مطالعه اقوام تبت در چین، به خصوص لولوها (Lolos) بپردازد که با مرگ پروفیسور گرانه (Granet) این دو طرح را برای همیشه کنار گذاشت. سپس با مارسل موس (M. Mauss) که در مدرسه مطالعات عالی و مؤسسه مردم‌شناسی دانشگاه پاریس تدریس می‌کرد، آشنا شد و در این مدرسه بود که به مطالعه مردم‌شناسی زیر نظر موس و ریوه (Rivet) که در سال ۱۹۲۷ بنیان‌گذاری شده بود و تمام بزرگان مردم‌شناسی فرانسه، نظیر گریول (Griaule)، لوریس (leuris) لوی-استروس، سوستل (Soustelle) در آن‌جا بودند پرداخت. در سال‌های ۳۴-۱۹۳۳ دوباره به طور داوطلب به کار در موزه انسان پرداخت و کار مطالعه فنون و فیش‌برداری در این حوزه را دنبال کرد.

لوروا-گوران در ۱۹۳۵، موفق شد دو اثر خود را تحت عنوان تمدن گوزن و نقوش حیوانات بر روی برنزه‌های چینی منتشر کند.

در ۱۹۳۳ با آرلت رویه (Arlette Royer) ازدواج می‌کند و به همین مناسبت پروفیسور پل یویر به عنوان هدیه عروسی بوری به مدت دو سال برای ژاپن به او اختصاص می‌دهد. این زوج جوان به ژاپن می‌روند و پس از توقف کوتاهی در توکیو به مؤسسه فرانسوی-ژاپنی کیوتو منتقل می‌شوند. از فرصت‌هایی که او به دست آورد آشنایی‌اش با سفالگر معروفی به نام کاوایی کانبویو (Kawai Kanjuio) که مجسمه‌های گلی او بسیار معروف است می‌باشد. او از طریق این ارتباط، اطلاعات قابل توجهی درباره تکنیک‌های دقیق سفالگری به دست می‌آورد. پس از آن مدتی هم به هوکایدو (Hokkaido) محل سکونت قوم آینو (Ainou) می‌رود که نتیجه آن انتشار کتابی است که با کمک همسرش در سال ۱۹۸۹ به نام سفری به آینو منتشر می‌شود. او هم‌چنین به جمع‌آوری یک مجموعه شامل ۱۵۰۰ شیء مردم‌شناختی موفق می‌گردد که بعدها به موزه‌های انسان و گیمه (Guimet) در فرانسه منتقل می‌شوند.

پس از بازگشت به فرانسه (۱۹۳۸) همزمان با آغاز جنگ جهانی دوم ابتدا به عنوان سرباز در یک گروهان مشغول به خدمت می‌شود و سپس به جهت تخصص‌اش در زبان چینی و روسی به عنوان مترجم در نیروی دریایی مشغول به کار می‌شود. پس از آن به مدت سه سال یعنی از سال ۴۰ تا ۱۹۴۳ مسئولیت موزه گیمه به او سپرده می‌شود، در همین زمان با عنوان مدیر تحقیقات در مرکز ملی مطالعات علمی فرانسه (C.N.R.S.) که تازه تأسیس شده بود مشغول به کار می‌شود. در همین هنگام بود که به طور جدی کارهای تحقیقاتی‌اش دوباره آغاز می‌شود و از بین چندین هزار سند و فیش که در سال‌های پیش، خصوصاً در هنگام اقامت‌اش در ژاپن جمع‌آوری

کرده بود، اولین اثر باارزش خود را تحت عنوان **تکامل و تکنیک** در دو جلد منتشر می‌کند. کتاب‌های **انسان و ماده** و **محیط و فن** از دیگر آثار ارزشمند و به‌یاد ماندنی اوست که در بین سال‌های ۱۳۴۳-۱۹۴۵ منتشر می‌شوند. این دو کتاب جزء آثار باارزشی قرار می‌گیرند که در حال حاضر نیز هم‌چنان به‌عنوان دو اثر مرجع مورد استفاده محققین قرار می‌گیرند.

اواخر جنگ جهانی دوم او را به **قصر والانسای (Chateau Valancay)** محلی که بخشی از گنجینه موزه لوور در آن نگهداری می‌شده است می‌فرستند.

او در سال‌های ۴۵-۱۹۴۴ زمانی که فقط ۳۳ سال داشت به‌عنوان دانشیار دانشکده ادبیات شهر لیون به تدریس «مردم‌شناسی استعماری» مشغول می‌شود. در این درس مردم‌شناسی را به عنوان مجموعه کاملی که «ماقبل تاریخ»، «انسان‌شناسی جسمانی» و «تکنولوژی» از اعضای تشکیل دهنده آن است معرفی می‌کند.

لوروا-گوران رساله دکتری خود را درباره **باستان‌شناسی شمال اقیانوس آرام** در سال ۱۹۴۶ به اتمام می‌رساند. در این اثر بی‌بدیل، به مطالعه باقی‌مانده‌های باستانی به دست آمده از سراسر هلال شمالی اقیانوس آرام، از کالیفرنیا تا ژاپن می‌پردازد. او می‌گوید: «سعی من بر این بود تا تأثیرات فرهنگی اسکیموها و مردمان سیبری بر یکدیگر، که از تنگه برینگ عبور کرده‌اند را مطالعه کنم. در نهایت، مطالعه اسناد مربوط به هنر مقایسه‌ای اوراسیای شمالی، رساله تکمیلی دکتری او را تشکیل می‌دهد. لوروا-گوران به جهت اعتقاد شدیدی که به کار عملی در مردم‌شناسی داشت و مردم‌شناسی نظری را خیلی کارساز نمی‌دانست، در لیون دانشجویانش را به همکاری در یک حفاری باستان‌شناختی دعوت کرد. یکی از اولین کارهای بسیار مهم او بین سال‌های ۴۸-۱۹۴۵ حفاری در غار فورتن (Furteun) در فرانسه بود. هدف اصلی او در این پژوهش‌ها این بود که موزه انسان را به یک مرکز آموزشی مردم‌شناسی مبدل سازد. او بالاخره در سال ۱۹۴۶ مرکز آموزشی-پژوهشی مردم‌شناختی را بنیان‌گذاری می‌کند و مسئولیت آن را خود به عهده می‌گیرد. این مرکز در اختیار دانش‌پژوهانی قرار می‌گرفت که هنوز دبیرستانی بودند، ولی قصد داشتند در آینده به حرفه مردم‌شناسی بپردازند. همه‌ساله ۱۵ دانشجو در این مرکز پذیرفته می‌شدند و دروس مختلفی در آن تدریس می‌شد، از جمله دو درس تحت عنوان «تکنیک‌های پرسش‌گری» و دیگری راجع به «موزه‌نگاری» (Museographie) که هر دو درس توسط خود او تدریس می‌شدند. کسانی که در این اردوهای کارآموزی که در شهرهای مختلف فرانسه (بروتاین، نورماندی و...) برگزار می‌شد، شرکت می‌کردند به‌خوبی به خاطر دارند که چقدر لوروا-گوران با جدیت و اعتقاد به این رشته و اهداف کاربردی آن دانشجویان را راهبری می‌کرد.

چگونگی مطالعه ادوات و ابزارها و تأثیر آن بر ساختار جوامع و طرز تفکر و اعتقادات مردم

از جمله اهداف این دروس نیز به‌شمار می‌رفت.

در موزه انسان بود که لورا-گوران مرکز اسناد و پژوهش‌های پیش از تاریخ (C.D.R.P) را در سال ۱۹۴۸ بنیان‌گذاری کرد. این مرکز به مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه وابسته بود و هدف‌اش به توسعه مطالعات و تحقیقات ماقبل تاریخی اختصاص داشت.

کار حفاری غار فورتن از ۱۹۴۵ و حفاری غار آرسی-سور-کور (Atcy-sur-cour) که از ۱۹۴۶ آغاز شد، لوروا-گوران را برای انتشار کتاب معروف‌اش به نام *حفاری‌های ماقبل تاریخ*، فن و روش که بعدها در بین صاحب‌نظران انقلابی جدید در باستان‌شناسی تلقی گردید ترغیب کرد (۱۹۵۰).

در کنار کارهای اداری و مسئولیت‌های علمی دیگر، نظیر سازماندهی چهاردهمین کنگره پیش از تاریخ فرانسه و یا مطالعات شگفت‌آور او درباره تفسیر و تعبیر بازمانده‌های استخوانی در سال‌های حدود ۱۹۵۲ کتابی را به نام *شکارچیان ماقبل تاریخ منتشر کرد* که به زبانی بسیار ساده تمامی دانش آن‌روز را در این مقوله به همراه یک سنتز به چاپ رسانده بود. در سال ۱۹۵۶ پس از مرگ پروفیسور مارسل گریول (Griaule)، استاد مردم‌شناسی دانشگاه سوربن، لوروا-گوران به جانشینی او انتخاب می‌شود، و از معاونت موزه انسان کناره‌گیری می‌کند. ولی در زیرزمین همان موزه دپارتمان تکنولوژی را بنیاد کرده و تا آخرین روز زندگی‌اش آن‌جا را به عنوان محل اصلی کار خود حفظ می‌کند.

لوروا-گوران پس از بازگشت به پاریس به هنر ماقبل تاریخ توجه ویژه پیدا کرد و به مطالعه در این حیطة نیز پرداخت. او که اغلب با محققان بزرگی چون فرانسوا اور (F. Hoyer) فقید، میشل برزیلون (Bresilion) و ژاک ورتو (Vertu) همکاری و همراه بود به بازدید از غارهای منقوش فرانسه و اسپانیا می‌پردازد، و موفق می‌شود که تقریباً تمامی آن‌ها را از نزدیک بازدید و مطالعه کند.

انجام این کار حدود بیست سال به طول انجامید (بین سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۴۵). در سال ۱۹۶۲ مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ماقبل تاریخی (C.R.P.P) وابسته به کرسی مردم‌شناسی عمومی در سوربن را پایه‌گذاری می‌کند. در آغاز سال ۱۹۶۰ کار تحریر کتاب کوچکی را به نام *ادیان ماقبل تاریخ* که در ۱۹۶۴ منتشر می‌شود به اتمام می‌رساند. با اطمینان می‌توان گفت که این اثر یکی از معدود آثار است که اغلب نوشته‌های قبل از خود در این زمینه را به‌شدت بی‌ارزش کرده است. پس از مرگ بروی (Breuil) (۱۹۶۱) لوروا-گوران دیگر تنها متخصص بزرگ و مفسر در ماقبل تاریخ در فرانسه محسوب می‌شود. تمامی ناشران برای اولین فصل‌های بعضی از آثار خود، خصوصاً دایرة‌المعارف *Pleiade*، تاریخ جهان، تاریخ و روش‌هایش، تاریخ هنر و

هم‌چنین هنر و انسان نوشته رنه اوینگ (Rene Huyghe) و تاریخ عمومی متون از کتاب‌های نشر دانشگاهی پاریس از او کمک می‌گرفتند.

در سال ۱۹۶۴ برخوردی فوق‌العاده لوروا-گوران در پنزون (Pincevant) به وجود آمد. کسی که از ۲۰ سال پیش به عنوان تئورسین حفاری افقی نام گرفته بود، در این محل باستانی موفق شد با تجربه‌ای بی‌نظیر به نشان دادن هر آنچه در تئوری بیان کرده نایل آید. این محل باستانی که در نوع خود استثنایی بود، موجب شد که تعداد بی‌شماری دانشجویان رشته مردم‌شناسی به این محل آمده و به کار حفاری عملی که زیر نظر مستقیم شخص او اداره می‌شد بپردازند. در واقع هر ساله تعداد زیادی دانشجو از سرتاسر دنیا برای گذراندن یک دوره کارآموزی چند ماهه و آشنایی با روش‌های جدید تحقیق به این محل اعزام می‌شدند، از جمله نگارنده که موفق شدم در سه دوره پیاپی کارآموزی (۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰) از نزدیک و در کنار او به این تجربه بزرگ دست پیدا کنم و این تکنیک جدید را فراگیرم.

در این محل بود که برای اولین بار و با استفاده از این روش مطالعه مسکن در دوره مگدالنی^۱ در پنزون که با توجه به نتایج به دست آمده از آن انقلابی در مطالعات ماقبل تاریخ به شمار می‌رفت، با موفقیت به انجام برسد. هم‌چنین برای اولین بار، به کمک این روش جدید، مطالعات بسیار دقیقی بر روی اجاق‌ها، تکنیک‌های تراش، نحوه قرار گرفتن باقیمانده‌های استخوانی و مطالعه چگونگی پراکندگی عناصری که به یک سنگ مادر تعلق داشتند و امکان دسترسی به شناخت و دوباره‌سازی حالات و رفتارهای انسان‌هایی که این باقیمانده‌ها را به جای گذاشته بودند، به انجام برسد. (تکنیک مونتاژ مجدد تولید اشیا).

در اواسط سال ۱۹۶۰ سه اثر مهم دیگر از او منتشر شد، ابتدا انتشار دو کتاب باارزش که اولی حرکت و گفتار نام داشت. این اثر تحلیلی بیشتر به صورت پلی بین موضوعات گوناگون که او خود در فرصت‌های مناسب به تحقیق درباره آن‌ها پرداخته بود عمل می‌کرد. با انتشار این کتاب است که او به یکی از اندیشمندان بزرگ عصر خود تبدیل می‌شود. در این کتاب او بیشتر به موضوع چگونگی تطور و تکامل آنتروپین‌ها (انسان‌گونه‌ها) و اصلی‌ترین کارهای آن‌ها پرداخته و سؤالات مربوط به آینده انسان‌های امروزی را مطرح می‌کند. این کتاب به زبان‌های مختلف، به جز زبان انگلیسی، ترجمه شده است.

کتاب هنر پیش از تاریخ غرب یکی از شاهکارهای دیگر اوست. عکس‌های زیبایی ژان ورتو و دقت بسیار ناشر آن (L. Mazenod) در انتشار این کتاب نفیس نقش به‌سزایی داشته‌اند.

۱. دوره یا فرهنگ مگدالنی (Magda Lenien) آخرین دوره از عصر پارینه‌سنگی جدید در اروپاست که بین ۱۷,۰۰۰ تا ۱۳,۵۰۰ سال پیش به طول انجامیده است.

این کتاب به زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی، آلمانی... و بخش‌هایی از آن به فارسی نیز ترجمه شده است. و بالأخره اثر دیگری از او با نام ماقبل تاریخ منتشر می‌شود. در این کتاب مجموعه دوره‌های پارینه‌سنگی، میان‌سنگی و نوسنگی در سرتاسر دنیا زیر نظر مستقیم خود او ولی توسط متخصصان هر دوره تألیف شده است.

کار او به عنوان استاد کالج فرانسه از سال ۱۹۶۹ آغاز می‌شود. او در سخنرانی افتتاحیه‌اش به شرح نظراتی که مدت‌ها علاقه‌اش را به خود جلب کرده، یعنی «حقاری افقی» اشاره می‌کند. در کالج به مدت ۱۳ سال به عنوان استاد کرسی پیش از تاریخ، فقط به تدریس هنر پارینه‌سنگی می‌پردازد. در این بخش، بحث‌های او عمدتاً پیرامون نکات دقیقی، از جمله مشکل درک مفاهیم تصاویر و تاریخ‌نگاری این هنر دور می‌زد. او هنر این دوره را به عنوان منبعی عظیم از اطلاعات درباره رفتار، کردار و باورهای پیش از تاریخ در نظر می‌گرفت. در این خصوص ابتدا به مطالعه تکنیک‌های اجرا (فتون)، ابزار و ادوات، رنگ‌ها و بالأخره به نحوه خلق آثار در زمان و مکان و چگونگی ارایه آن توسط هنرمند می‌پردازد. کادربندی، نقوش دیواره‌ها و صخره‌ها، جنس دیواره، پرسپکتیو، تصاویر هندسی، نظم و ترتیب و... از جمله موضوعاتی هستند که به آن‌ها پرداخته شده و سپس به حالت و وضعیت نقوشی که از هندسی محض به طرف نقوش توصیفی تمایل پیدا می‌کنند توجه شده است.

در طول سال‌ها مطالعه، او دوباره به مسئله معانی بازمی‌گردد، مثلاً مطالعه دقیق و ظریف «نشانه‌ها» او را به این فکر هدایت می‌کند که «نشانه‌های پُر» که به صورت نیمه‌پنهان در انتهای غارها تصویر شده‌اند، می‌توانند از «نشانه‌های بارز قومی» باشند. موضوعات اصلی که در این درس مطرح شده در مقاله‌ای تحت عنوان «مقدمه‌ای بر هنر صخره‌ای» در سال ۱۹۸۰ منتشر شده است. ترجمه کامل این مقاله به زبان فارسی در سال ۱۳۸۴ در پیوست کتاب سنگ‌نگاره‌های ارسباران^۱ منتشر شده است.

متأسفانه حتی قبل از دریافت کرسی «پیش از تاریخ» در کالج دو فرانس، وضعیت جسمانی او دچار ناملایماتی می‌شود. در سال ۱۹۶۶ آزمایشات پزشکی انجام شده نشان دادند که او به بیماری پارکینسون مبتلا شده است. از آن پس آثار این بیماری آرام آرام به پیشرفت خود ادامه می‌داد و کم‌کم در طرز صحبت و نحوه راه رفتن او به وضوح دیده می‌شد. در اواخر سال ۱۹۷۴ او به دریافت مدال طلای C.N.R.S (مرکز ملی مطالعات علمی فرانسه) مفتخر می‌شود. در سال ۱۹۷۸ بزرگ‌ترین جایزه ملی باستان‌شناسی و مردم‌شناسی وزارت فرهنگ فرانسه به او تعلق

می‌گیرد، و در سال ۱۹۷۹ مدال طلای آکادمی معماری به او اختصاص می‌یابد. جایزه بین‌المللی بنیاد فیسن (Fyssen)، مدال لژیون دونور و بالأخره انتخاب‌اش در آکادمی ادبیات و هنرهای زیبا در سال ۱۹۸۰ از دیگر افتخارات او است. و در سال ۱۹۸۲ به درجهٔ بازنشستگی نایل می‌گردد.

در ژوئن همان سال سمپوزیومی به افتخار او در شهر روان (Roanne) در نزدیکی محل باستانی ویلرست (Villerast) که یکی از مناطق تازه‌کشف شدهٔ بسیار پراهمیت بود برپا می‌گردد. موضوع این سمپوزیوم، موضوعی بود که آندره لوروا-گوران سال‌های زیادی از عمرش را وقف تحقیق دربارهٔ آن کرده بود «مسکن در دورهٔ پارینه‌سنگی جدید». او در تمام مدت حضاری در پنزون در سال‌های ۱۹۶۴-۸۴ در محل حاضر می‌شد هر چند که هر چه زمان می‌گذشت از قدرت کارآیی‌اش کاسته می‌شد، ولی مع‌الوصف موفق شد سه کتاب در سال ۱۹۸۳ به چاپ برساند که مشهورترین آن در *امتداد زمان* نام داشت و مجموعهٔ بعضی از مقالاتی بود که در طول سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۷۰ به چاپ رسانده بود. کتاب دوم مکانیک زنده نام داشت. در این کتاب از نقش مهم قاعدهٔ سادهٔ مکانیک در تغییرات شکل جمجمه صحبت می‌شود. این جعبه استخوانی نسبتاً کوچک که به قسمت انتهایی ستون فقرات متصل است و فشارهای گوناگونی را تحمل می‌کند که از اعمال کششی فک‌ها هنگام جویدن و بلعیدن به وجود می‌آید. او مطالعهٔ این موضوع را در این کتاب از ماهیان شروع و پس از بررسی چرندگان، پرندگان، پستانداران و میمون‌ها بالاخره به انسان می‌رسد. او در این مطالعه به نتایج درخشانی دست یافته است. مثلاً در این مطالعه معلوم شد که آزاد شدن سر از شانه‌ها با خزندگان دوبا حاصل شده است. در خزندگان چهارپا، مسیر دیگری طی شده است. «در پستانداران سر به صورت عضو کاملاً مستقل در بالا قرار می‌گیرد و تنها با انتهای فوقانی ستون فقرات مرتبط می‌شود. سپس پستانداران به علفخواران، گوشتخواران، میمون‌های کم و بیش پیشرفته و در نهایت انسان‌های اولیه (استرال اپتیک‌ها) و بالاخره انسان امروزی منتهی می‌گردد» (به نقل از ایوکوپنس ۱۹۸۳).

لوروا-گوران در این کتاب اثبات کرد که تغییرات حجم جمجمه هیچ‌گونه تأثیری در تکامل مهره‌داران نداشته است. با توجه به این نظریه چنین به نظر می‌رسد که توسعهٔ مغز عامل تعیین‌کنندهٔ پدیدهٔ تکامل نبوده است. آخرین اثر او که پس از مرگ‌اش منتشر می‌شود تدوین فرهنگ ماقبل تاریخ است، که توسط انتشارات نشر دانشگاهی فرانسه به چاپ می‌رسد. (۱۹۸۸)

در اواخر سال ۱۹۸۴ بیماری او شدت پیدا می‌کند و به ناچار به مدت طولانی در بیمارستان پیتیه سالپتریه پاریس بستری می‌گردد. تابستان سال بعد دوباره به پنزون می‌رود، ولی دیگر قادر به راه رفتن به‌تنهایی نبود. تا این‌که بالاخره در ۱۹ فوریه ۱۹۸۶ سکنهٔ قلبی او را برای همیشه خاموش می‌کند.

از او حدود نزدیک به ۲۰۰ مقاله و ده‌ها کتاب در دست است که هر یک از آن‌ها با وجود قدیمی بودنشان همچنان به عنوان منابع بسیار معتبر مورد استفاده قرار می‌گیرند، با وجود این‌که بیش از ۲۰ سال از مرگ او گذشته است هنوز کتاب‌هایش تجدیدچاپ می‌شوند و سالی نیست که کتاب‌هایش به زبان‌های مختلف دیگر ترجمه نشوند. لوی-استروس در مجلس ترحیم لوروا-گوران در یک سخنرانی جذاب و طولانی او را فردی بسیار شایسته و دانشمندی بزرگ معرفی می‌کند که در آرامش و بدون هیچ‌گونه جنجال‌هایی به کارهای علمی می‌پرداخت.^۱

منابع

Gaucher, G. 1987, André Leroi-Gourhan 1911-1986 *Bulletin de la Societe Préhistorique Française* 1987, Tome 84, Numero 10-12.

A. Leroi-Gourhan, 1982, *Les Racins du monde*, Entretiens avec Claude-Henri Rocquet Belfond, Paris.

—, 1983, *Mécanique vivante*.

—, 1976, *Les religions de la préhistoire*, P.U.F. France.

—, 1965, *La préhistoire*, P.U.F. France.

Yves Coppens, 1988, *Préambules, Les première pas de l'homme*, Éditions Odile Jacob, Paris.

لوی-استروس، کلود، ۱۳۷۰، «او و من سعی کردیم کار تقریباً مشابهی انجام دهیم». ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، مجله *نامه علوم اجتماعی*، دوره جدید، ج ۲، ش ۲، تابستان ۷۰، ص ۲۳۵-۲۲۹.

روح‌الامینی، محمود ۱۳۷۰، «صدای چکش»، مجله *نامه علوم اجتماعی*، دوره جدید، ج ۲، ش ۲، تابستان ۷۰، ص ۲۳۵-۲۴۷.

ایو کوپنس، ۱۳۷۰، «صد چهره از آندره لوروا-گوران»، ترجمه حشمت‌اله طیبی، مجله *نامه علوم اجتماعی*، دوره جدید، ج ۲، شماره ۲، تابستان ۷۰، ص ۲۴۷-۲۵۳.

آثاری که از لوروا-گوران به فارسی ترجمه شده است:

— تأملی بر هنر غارها، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، مجله *نامه علوم اجتماعی*، دوره جدید، ج ۲، ش ۲، تابستان ۱۳۷۰.

— مطالعه نقوش دست در غار گرگس، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، مجله *میراث فرهنگی*، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۷۰.

— «یک روش مطالعه پیرامون هنر صخره‌ای در دوران پیش از تاریخ»، پیوست ۳، کتاب *سنگ‌نگاره‌های*

۱. متن کامل این سخنرانی به فارسی برگردانده شده است (به کتابنامه مراجعه شود).

- ارسیاران، جلال‌الدین رفیع‌فر، ۱۳۸۴، ۱۹۵-۲۰۳.
- «مذهب در غارها، جادو یا متافیزیک»، پیوست کتاب سنگ‌نگاره‌های ارسباران، جلال‌الدین رفیع‌فر، ۱۳۸۴، ص ۱۷۹-۱۹۵.
- «درآمدی بر هنر نگاره‌پردازی دوران پیش از تاریخ»، پیوست کتاب سنگ‌نگاره‌های ارسباران جلال‌الدین رفیع‌فر، ۱۳۸۴ ص ۱۵۹-۱۷۷.
- «انسان‌شناسی و مردم‌شناسی»، ترجمه اصغر عسگری، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، ج ۲، ش ۲، ۱۳۷۰، ص ۲۷۳-۳۸۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی